



جلسه: ۱۹
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی در قتل های عمد
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

بسم الله الرحمن الرحيم

ج: قتل عمد

بحث در مواردی از قتل عمد است که پرداخت دیه آن بر عهده بیت المال است. در این زمینه در جلسات پیشین به چهار مورد اشاره گردید.

ه: قتل ناصبی

پنجمین مورد از مواردی که لزوم پرداخت دیه آن توسط حکومت اسلامی نیازمند بررسی است، قتل ناصبی است.

این مورد در کلمات فقها مطرح نشده است و طبق ضوابط کلی که در مسأله وجود دارد، ممکن است گفته شود که دیه بر عهده کسی واجب نیست، اما بر اساس روایتی که در این زمینه وجود دارد، پرداخت دیه بر حکومت اسلامی لازم خواهد بود. توضیح مطلب این است که ناصبی، در روایات متعددی مهدور الدم دانسته شده است و اصل این مطلب محل مناقشه نیست و لذا به قتل رساندن ناصبی جایز است الا اینکه برای قاتل ممکن نباشد که ناصبی بودن مقتول را اثبات کند که در این صورت برای جلوگیری از قصاص شدن خودش، نباید او را به قتل برساند.

از طرف دیگر در باب قصاص مطرح شده است که یکی از شرائط قصاص شدن جانی یا لزوم پرداخت دیه بر او، محقون الدم بودن مقتول است و در فرضی که مقتول، مهدور الدم باشد، ظاهر کلمات فقها این است که جانی قصاص نشده و پرداخت دیه نیز بر او لازم نخواهد بود. اما روایت صحیحی توسط برید عجلی نقل شده است که در صورت قتل ناصبی، پرداخت دیه را بر حکومت اسلامی لازم دانسته است. در این روایت آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ بُرَيْدِ الْعَجَلِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ الْمُؤْمِنِ - قَتَلَ رَجُلًا نَاصِبًا مَعْرُوفًا بِالنَّصَبِ عَلَى دِينِهِ غَضَبًا لِلَّهِ تَعَالَى يُقْتَلُ بِهِ فَقَالَ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَقْتُلُونَهُ وَ لَوْ رَفَعَ إِلَى إِمَامٍ عَادِلٍ ظَاهِرٍ لَمْ يَقْتُلْهُ قُلْتُ فَيَبْطُلُ دَمُهُ قَالَ لَا وَ لَكِنْ إِنْ كَانَ لَهُ وَرَثَةٌ فَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يُعْطِيَهُمُ الدِّيَةَ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ لِأَنَّ قَاتِلَهُ إِنَّمَا قَتَلَهُ غَضَبًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لِلْإِمَامِ وَ لِذِيْنِ الْمُسْلِمِينَ^۱.

در این روایت از قصاص شدن مؤمن، به جهت به قتل رساندن ناصبی سؤال شده است و امام باقر علیه السلام فرموده اند: اگر آن مؤمن به دادگاه خود آنها برود، مورد قصاص قرار می گیرد، اما اگر به محضر امام عادل برود، ایشان او را قصاص نخواهد کرد. بنابراین به صراحت در این روایت اشاره شده است که اگر حکومت اسلامی برقرار باشد، کسی که ناصبی را به قتل برساند، قصاص نخواهد شد، اما در ادامه روایت بیان شده است که خون ناصبی هدر نیست و لذا اگر ورثه داشته باشد، باید امام علیه السلام دیه او را از بیت المال پرداخت کند؛ چون مؤمنی که ناصبی را به قتل رسانده است، غرض شخصی نداشته است بلکه به نیت خداوند متعال، اعتلای دین او و مسلمانان این عمل را مرتکب شده است. در صورتی که این روایت مورد اعراض اصحاب نبوده و قابل عمل کردن باشد،^۲ اگرچه کماکان چیزی بر عهده قاتل ثابت نمی شود، اما به لحاظ لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی، مخصص أدله ای خواهد بود که حکم به عدم ثبوت قصاص و دیه در موارد به قتل رساندن اشخاص مهدور الدم کرده و خون او را هدر دانسته اند.

۱. وسائل الشیعة: ۲۹: ۱۳۲.



جلسه: ۱۹
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی در قتل های عمد
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

البته با توجه نقل نشدن فتاوی بسیاری از فقها، اعراض فقها ثابت نمی شود، اما در عین حال مطرح نشدن این مطلب در کلام فقها موجب می شود که عمل کردن بر اساس این روایت مشکل باشد؛ چون عدم التزام فقها می تواند حاکی از مشکلی در روایت باشد. اما در صورتی که کسی این نکته را مانع ندانسته و بر اساس این روایت فتوا دهد، این مورد نیز از مواردی خواهد بود که پرداخت دیه بر عهده حکومت اسلامی خواهد بود.^۱

د: مشخص نبودن قاتل

چهارمین فرضی که پرداخت دیه بر عهده حکومت اسلامی ثابت می شود، قتل هایی است که قاتل مشخص نیست. به عنوان مثال جنازه شخصی در بیابان پیدا شود و قاتل او مشخص نباشد و یا اینکه شخصی در میان ازدحام زیاد جمعیت قرار بگیرد و در اثر ازدحام آنها به قتل برسد. در این موارد ادعاء شده است که خون مسلمان هدر نیست و باید دیه او از بیت المال پرداخت شود. این مسأله از گذشته در کلمات فقها مطرح بوده و بر اساس آن نیز فتوا داده شده است.

آدله

در این زمینه روایات متعددی وارد شده است که برخی از آنها مربوط به پیدا شدن جنازه در بیابان و برخی دیگر مربوط به ازدحام جمعیت است.

الف: صحیحہ عبدالله بن سنان و عبدالله بن بکیر

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بَكِيرٍ جَمِيعاً عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع فِي رَجُلٍ وَجَدَ مَقْتُولًا لَا يُدْرَى مَنْ قَتَلَهُ قَالَ إِنْ كَانَ عَرِفَ لَهُ أَوْلِيَاءَ يَطْلُبُونَ دِيَّتَهُ أُعْطُوا دِيَّتَهُ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ وَلَا يَبْطُلُ دَمُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ لِأَنَّ مِيرَاثَهُ لِلْإِمَامِ فَكَذَلِكَ تَكُونُ دِيَّتُهُ عَلَى الْإِمَامِ وَ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ وَ يَدْفِنُونَهُ قَالَ وَ قَضَى فِي رَجُلٍ زَحَمَهُ النَّاسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - فِي زِحَامِ النَّاسِ فَمَاتَ أَنْ دِيَّتَهُ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ.^۲

این روایت با دو سند نقل شده و صحیحہ است و لذا مشکل سندی در آن وجود ندارد.

بر اساس این روایت، امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد مقتولی که قاتل او مشخص نبوده است، فرموده اند: اگر دارای ورثه ای باشد که دیه او را مطالبه می کنند، دیه او از بیت المال پرداخت خواهد شد تا خون مسلمان باطل نشود. امیرالمؤمنین علیه السلام در تعلیل این مطلب بیان کرده اند که اگر کسی از دنیا برود و وارثی نداشته باشد، میراث او برای امام علیه السلام خواهد بود و لذا در صورتی هم که مسلمان، جنایتی انجام داده باشد و امکان پرداخت دیه توسط او نباشد، امام علیه السلام دیه ای که بر عهده او ثابت شده است را پرداخت خواهد کرد. در ذیل روایت نیز به قضاوت دیگر امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره شده است که در مورد کسی که به جهت ازدحام جمعیت در روز جمعه از دنیا رفته است، حکم به لزوم پرداخت دیه از بیت المال کرده اند تا خون آنها هدر نشود.

۱. در اینجا ممکن است اشکال شود که اساساً مفاد روایت قابل التزام نیست؛ چون فرض این است که ناصبی مهدور الدم است و اساساً احترامی ندارد، در حالی که پرداخت دیه به جهت احترام خون مقتول است. بنابراین لزوم پرداخت دیه نسبت به ناصبی که مهدور الدم است، قابل پذیرش نیست.
پاسخ این است که روشن نیست که پرداخت دیه به نکتہ احترام مقتول بوده باشد بلکه حکم تبعیدی است و ملاک آن روشن نیست. مطلب ذکر شده در اشکال نیز استحسان است و با امور استحسانی نمی توان از مفاد روایت رفع ید کرد.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۱۴۵.



جلسه: ۱۹
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی در قتل‌های عمد
استاد: علی عندلیبی دام‌ظله

بنابراین در صورتی قاتل مشخص نباشد و یا اینکه ازدحام جمعیت موجب تحقق قتل گردد، دیه مقتول بر عهده بیت المال خواهد بود.

ب: صحیح محمد بن مسلم

وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ: أَرَدَحَمَ النَّاسُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي إِمْرَةِ عَلِيٍّ عَ بِالْكُوفَةِ - فَقَتَلُوا رَجُلًا فَوَدَى دِيَتَهُ إِلَى أَهْلِهِ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ.^۱

در این روایت اشاره شده است که در زمان حکومت امیرالمؤمنین علیه السلام، شخصی در اثر ازدحام جمعیت در روز جمعه به قتل می‌رسد و امیرالمؤمنین علیه السلام دیه او را از بیت المال مسلمین به ورثه او پرداخت می‌کنند.

ج: روایت ابوبصیر

وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْرَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنْ وُجِدَ قَتِيلٌ بِأَرْضِ فَلَاةٍ أُدِّيَتْ دِيَتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ فَإِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع كَانَ يَقُولُ لَا يَبْطُلُ دَمُ أَمْرِي مُسْلِمًا.^۲

این روایت به لحاظ سندی، با اشکال مواجه است؛ چون اگرچه محمد بن یحیی و ابوبصیر ثقة هستند، اما علی بن حکم و علی بن ابی حمزه محل کلام هستند. البته با توجه به تعدد روایات، نیازی به بررسی مفصل روایان نیست، اما تبیین اجمالی مشکل در سند روایت این است که علی بن حکم در کتب رجالی دارای چهار عنوان است:

الف: علی بن حکم به صورت مطلق

ب: علی بن حکم کوفی

ج: علی بن حکم بن زبیر

د: علی بن حکم انباری

در مورد اینکه این چهار عنوان همگی به یک عنوان بازگشت می‌کنند و یا اینکه به دو یا سه عنوان هستند، در بین فقهاء محل اختلاف است و أدله ای که برای هر یک از این احتمالات مطرح شده، قابل نقض و ابرام است. البته نکته مهم این است که در همه روایاتی که در منابع حدیثی شیعه نقل شده، علی بن حکم به صورت مطلق ذکر شده است و در هیچ یک از روایات، از عنوان علی بن حکم مقید به کوفی، انباری یا ابن زبیر استفاده نشده است و در صورتی که عناوین ذکر شده برای اشخاص متعددی باشد، مشکل ایجاد می‌شود. اما برخی از فقهاء از عدم اشاره به عناوین دیگر استفاده کرده‌اند که تنها یک شخص وجود داشته است و همه عناوین متعلق به او است. عده دیگری از فقهاء نیز بیان کرده‌اند که فرضاً اشخاص متعددی باشند، ذکر شدن عنوان علی بن حکم به صورت مطلق منصرف به فرد مشهور از آنها است که ثقة بوده است. در این زمینه بحث‌های مفصلی وجود دارد که باید در محل خود مطرح گردد.

نتیجه بحث این است که مشکل وثاقت علی بن حکم قابل حل است، اما مشکل تر از ایشان، علی بن ابی حمزه است؛ چون دو شخص با نام «علی بن ابی حمزه» وجود دارد که یکی از آنها «بطائنی» و دیگری «ثمالی» است و هر دوی آنها در یک طبقه قرار دارند و لذا در این روایت، هر دوی آنها محتمل هستند، اما در این روایت به قرینه ابوبصیر، مقصود از علی بن ابی حمزه، علی بن ابی حمزه بطائنی است؛ چون ابوبصیر نابینا بوده و قائد او، علی بن ابی حمزه بطائنی بوده است. علی بن ابی حمزه بطائنی در عین اینکه دارای توثیق است، تضعیف نیز در حق او وارد

۱. وسائل الشیعة ۲۹: ۱۴۶.

۲. وسائل الشیعة ۲۹: ۱۴۹.



جلسه: ۱۹
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی در قتل های عمد
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

شده است؛ چون این فضال، او و فرزندش را کذاب و متهم خوانده است.^۱ البته علی بن ابی حمزه از بزرگان واقعه است و نکته مهمی که در مورد بزرگان واقعه از جمله علی بن ابی حمزه بطانته وجود دارد، این است که آنها از اصحاب امام کاظم علیه السلام بوده اند و در عین اینکه علم به امامت امام رضا علیه السلام داشته اند، عمداً دروغ گفته و به غرض رسیدن به اموالی که در اختیار داشتند، امامت امام رضا علیه السلام را نپذیرفتند و مذهب وقف را اختراع کردند.^۲ بر خلاف فطحیه که تعدد نداشته اند بلکه دچار اشتباه شدند. بنابراین این روایت به لحاظ سندی با اشکال مواجه است، اما با توجه به اینکه مفاد آن مطابق روایات دیگر است، می توان گفت که مشکلی ایجاد نمی شود.

د: روایت مسمع بن عبدالملک و سکونی

وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ شَمُونٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ الْأَصَمِّ عَنْ مَسْمَعِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ: مَنْ مَاتَ فِي زِحَامِ النَّاسِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ - أَوْ يَوْمَ عَرَفَةَ - أَوْ عَلَى جِسْرٍ لَا يَعْلَمُونَ مَنْ قَتَلَهُ فَدِيَّتُهُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.^۳

مفاد روایت این است که اگر کسی در ازدحام روز جمعه یا روز عرفه از دنیا برود و یا اینکه جسد او بر روی پلی قرار گرفته و قاتل او شناخته نشود، دیه او از بیت المال پرداخت خواهد شد.

این روایت در نقل شیخ کلینی و شیخ طوسی به جهت «محمد بن حسن بن شمون» دچار اشکال است. البته شیخ طوسی سند دیگری دارد که به صورت «محمّد بن الحسن بن اسنادیه عن محمد بن أحمد بن يحيى عن بنان بن محمد عن أبيه عن ابن المغيرة عن السكوني عن جعفر عن أبيه عن علي» است. شیخ صدوق نیز این روایت را به اسناد خودش از سکونی نقل کرده است. این دو سند نیز به جهت اشمال بر سکونی دچار اشکال هستند. بنابراین همه اسناد این روایت با اشکال مواجه هستند، اما با توجه به اینکه روایات وارد شده در این بحث مشتمل بر روایات صحیح هستند و در مجموع نیز مستفیض هستند، اشکال سندی آنها به اصل بحث ضرری وارد نمی کند.

ه: روایت مسعدة بن زیاد

وَعَنْهُ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ ع قَالَ: كَانَ أَبِي رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ إِذَا لَمْ يَقِمِ الْقَوْمُ الْمُدْعُونَ الْبَيْتَةَ عَلَى قَتْلِ قَتِيلِهِمْ وَ لَمْ يُسْمُوا بِأَنَّ الْمُتَّهَمِينَ قَتَلُوهُ حَلَفَ الْمُتَّهَمِينَ بِالْقَتْلِ خَمْسِينَ يَمِينًا بِاللَّهِ مَا قَتَلْنَاهُ وَلَا عَلِمْنَا لَهُ قَاتِلًا ثُمَّ يُؤَدِّي الدِّيَةَ إِلَى أَوْلِيَاءِ الْقَتِيلِ ذَلِكَ إِذَا قُتِلَ فِي حَيٍّ وَاحِدٍ فَأَمَّا إِذَا قُتِلَ فِي عَسْكَرٍ أَوْ سُوقٍ مَدِينَةٍ فَدِيَّتُهُ تُدْفَعُ إِلَى أَوْلِيَائِهِ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ.

این روایت به لحاظ سندی معتبر است؛ چون مسعدة بن زیاد و هارون بن مسلم دارای توثیق هستند و طریق شیخ طوسی به «محمد بن احمد بن یحیی» صحیح است.

این روایت دلالت می کند که امام باقر علیه السلام در صورتی که اولیای مقتول بیته نداشته و قسم هم نخورند، متهمین به قتل را پنجاه مرتبه قسم می داده اند که قتل انجام نداده اند و قاتل را نمی شناسند. امام باقر علیه السلام بعد از قسم خوردن اشخاص متهم به قتل، دیه مقتول را به اولیای

۱. اختیار معرفة الرجال ۴۰۳.

۲. سران واقعه حتی به کسانی همچون یونس بن عبدالرحمن که بر علیه واقعه صحبت می کرده اند، پیشنهاد پرداخت پول داده اند، اما یونس بن عبدالرحمن پیشنهاد آنها را نپذیرفته است.

۳. وسائل الشیعة ۲۹: ۱۴۶.



او پرداخت می کرده اند. در ادامه روایت بیان شده است که اگر مقتول در بین لشکر یا بازار یک شهر کشته شود، دیه او از بیت المال پرداخت می شود و در این صورت دیگر بحث اقامه بینه یا قسم خوردن لازم نیست. بنابراین از مجموع روایات ذکر شده به دست می آید که اگر کسی کشته شود و قاتل او مشخص نباشد، پرداخت دیه از بیت المال صورت می گیرد. البته در این زمینه استثنائاتی هم وجود دارد که در کلمات فقها مطرح شده است. اما با توجه به اینکه بحث حاضر مربوط به دیات نیست بلکه نظام اقتصادی اسلام است، صرفاً وظائف حکومت اسلامی مطرح می شود که یکی از وظائف، پرداخت دیه مقتول هایی است که قاتل آنها مشخص نیست.

ه: تحقق قتل به جهت ترس

یکی دیگر از مواردی که پرداخت دیه بر عهده حکومت اسلامی است، قتل هایی است که در اثر ترسیدن مقتول صورت می گیرد. به عنوان مثال مأموری از طرف حکومت یا قاضی به دنبال خانم بارداری آمده باشد و آن خانم ترسیده و سقط جنین رخ بدهد و یا اینکه اساساً خود او نیز فوت کند و یا اینکه لشکری در حال حرکت برای انجام مأموریتی باشد و خانم بارداری ترسیده و سقط جنین رخ بدهد. در این موارد خون بچه ای که سقط شده و یا خانمی که فوت می کند، هدر نیست و باید دیه آنها از بیت المال پرداخت شود. این مطلب در روایات مطرح شده و فقها نیز بر اساس آن فتوا داده اند. البته فتوای فقها در این زمینه با اختلافی همراه است؛ چون صاحب جواهر از شیخ طوسی و اکثر فقها نقل کرده اند که قتل هایی که به این صورت تحقق پیدا کنند، قتل خطئی خواهد بود، اما در عین حال دیه به صورت مستقیم بر عهده حکومت اسلامی است؛ چون فرض این است که مأمور حکومتی یا لشکری که در حال عبور بوده است، قصد ترساندن یا کشتن را نداشته اند و خود شخص ترسیده و از دنیا رفته است. از طرف دیگر نیز با توجه به اینکه خون مسلمان نباید باطل شود، پرداخت دیه او از بیت المال خواهد بود. اما ابن ادریس قائل شده است که پرداخت دیه در ابتدا بر عهده عاقله است.

در مورد فرضی که شخص به جهت ترسیدن از دنیا برود، روایتی مطرح شده است که ماجرای عمر بن خطاب و امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل کرده است. در این روایت آمده است:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ الْعَاصِمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ الْمِثَمِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبَ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كَانَتْ امْرَأَةٌ تُؤْتِي فَبَلَّغَ ذَلِكَ عُمَرَ - فَبَعَثَ إِلَيْهَا فَرَوَّعَهَا وَ أَمَرَ أَنْ يُجَاءَ بِهَا إِلَيْهِ فَفَزِعَتْ الْمَرْأَةُ فَأَخَذَهَا الطَّلُقُ فَدَهَبَتْ إِلَى بَعْضِ الدُّورِ فَوَلَدَتْ غُلَامًا فَاسْتَهَلَ الْغُلَامُ ثُمَّ مَاتَ فَدَخَلَ عَلَيْهِ مِنْ رَوْعَةِ الْمَرْأَةِ وَمِنْ مَوْتِ الْغُلَامِ (مَا شَاءَ اللَّهُ) - فَقَالَ لَهُ بَعْضُ جُلَسَائِهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا عَلَيْكَ مِنْ هَذَا شَيْءٍ وَقَالَ بَعْضُهُمْ وَمَا هَذَا قَالَ سَلُوا أَبَا الْحَسَنِ عَ فَقَالَ لَهُمْ أَبُو الْحَسَنِ ع - لَئِنْ كُنْتُمْ اجْتَهَدْتُمْ مَا أَصَبْتُمْ وَ لَئِنْ كُنْتُمْ بِرَأْيِكُمْ قُلْتُمْ لَقَدْ أَخْطَأْتُمْ ثُمَّ قَالَ عَلَيْكَ دِيَّةُ الصَّبِيِّ^۱

این روایت در مورد زنی است که اهل زنا بوده است. عمر بن خطاب از این مطلب مطلع شده و مأمور خود را به سوی او می فرستد و امر می کند که آن زن را نزد او ببرند. آن زن بعد از اطلاع از این مسأله ترسیده و مبتلا به درد وضع حمل می شود و فرزند خود را به دنیا می آورد و در ادامه، فرزند او از دنیا می رود. عمر بن خطاب بعد از شنیدن این اتفاق ناراحت می شود. برخی از اطرافیان بیان می کنند که چیزی بر عهده عمر بن خطاب نیست، اما برخی دیگر کلام آنها را نمی پذیرند. در نهایت عمر بن خطاب بیان می کند که از امیرالمؤمنین علیه السلام سوال شود.

۱. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۶۷.



جلسه: ۱۹
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی در قتل های عمد
استاد: علی عندلیبی دام ظلّه

امیر المؤمنین علیه السلام نیز در پاسخ به این مسأله فرموده اند: اگر اجتهاد کردید، دچار اشتباه شده اید و به واقع نرسیده اید و اگر اجتهاد نکردید اید و به رأی خودتان این چنین بیان کرده اید، خطا کرده اید. امیرالمؤمنین در پایان می فرمایند: دیه آن بچه بر عهده عمر بن خطاب است. این روایت در مقابل فتوای فقها است؛ چون فقها بیان کرده اند که اگر حاکم مأموری بفرستد و این امر موجب سقط شدن فرزند خانم بارداری بشود، دیه بر عهده بیت المال است، اما این روایت بیان کرده است که دیه بر عهده خود حاکم است.

صاحب وسائل در ادامه روایت فرموده است: «وَرَوَاهُ الْمُفِيدُ فِي الْإِزْشَادِ مُرْسَلًا نَحْوَهُ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ فَقَالَ عَلِيُّ ع الدِّيَةُ عَلَى عَاقِلَتِكَ لِأَنَّ قَتْلَ الصَّبِيِّ خَطَأٌ تَعَلَّقَ بِكَ فَقَالَ أَنْتَ نَصَحْتَنِي مِنْ بَيْنِهِمْ لَا تَبْرَحْ حَتَّى تُجْرِيَ الدِّيَةَ عَلَى بَنِي عَدِيٍّ - فَفَعَلَ ذَلِكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع.»^۱ بر اساس این تعبیر که شیخ مفید نقل کرده است، امیرالمؤمنین پرداخت دیه را بر عهده عاقله قرار داده اند. نتیجه این روایت این است که قتلی که در اثر ارسال مأمور حکومتی رخ می دهد، قتل خطئی است که بر عهده عاقله است و اگر امکان پرداخت توسط عاقله نباشد، بر عهده خود حاکمی است که مأمور فرستاده است و در مرتبه سوم نوبت به حکومت اسلامی و پرداخت از بیت المال می رسد، اما طبق نقلی که صاحب وسائل در ابتدای روایت ذکر کرده است، دیه مستقیماً بر عهده عمر بن خطاب بوده است و ربطی به بیت المال نداشته است.

ممکن است در پاسخ به این روایت بیان گردد که محل بحث مربوط به مواردی است که حکومت اسلامی مأمور فرستاده و این مسأله موجب سقط شدن جنین خانم باردار گردد. این در حالی است که روایت یعقوب بن سالم اشاره به فرستادن مأمور توسط عمر بن خطاب دارد که در زمان او، حکومت اسلامی و مشروع نبوده است بلکه غضب خلافت صورت گرفته بود و لذا امیرالمؤمنین علیه السلام بیان کرده است که عمر بن خطاب آن زن را ترسانده و موجب سقط شدن جنین او شده است و به همین دلیل باید دیه او را بپردازد. در نتیجه این روایت ربطی به فرضی که حکومت اسلامی وجود داشته باشد، ندارد. بنابراین استدلال به این روایت برای اینکه بر خود حاکم اسلامی لازم است که دیه پرداخت کند، صحیح نیست.

در صورتی هم که سقط جنین به جهت حرکت کردن لشکر حکومت اسلامی یا یگان های ویژه او صورت گیرد، همین حکم را خواهد داشت؛ چون فرض این است که حرکت آنها اساساً مربوط به آن زن نبوده است و کاری با او نداشته اند، اما اتفاقاً حرکت آنها موجب سقط جنین شده است. در این فرض نیز پرداخت دیه آن فرزند بر عهده حکومت اسلامی خواهد بود. در این زمینه روایتی توسط سوار نقل شده است که در آن آمده است:

بِإِسْنَادٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ سَوَّارٍ عَنِ الْحَسَنِ قَالَ: إِنَّ عَلِيًّا ع لَمَّا هَزَمَ طَلْحَةَ وَ الرَّبِيعَ - أَقْبَلَ النَّاسَ مِنْهُمْ مِينَ فَمَرُّوا بِامْرَأَةٍ حَامِلٍ عَلَى الطَّرِيقِ فَفَزِعَتْ مِنْهُمْ فَطَرَحَتْ مَا فِي بَطْنِهَا حَيًّا فَاضْطَرَبَ حَتَّى مَاتَ ثُمَّ مَاتَتْ أُمُّهُ مِنْ بَعْدِهِ فَمَرَّ بِهَا عَلِيُّ ع وَ أَصْحَابُهُ (وَ هِيَ مَطْرُوحَةٌ عَلَى الطَّرِيقِ وَ وَلَدُهَا عَلَى الطَّرِيقِ) فَسَأَلَهُمْ عَنْ أَمْرِهَا فَقَالُوا إِنَّهَا كَانَتْ حُبْلَى فَفَزِعَتْ حِينَ رَأَتْ الْقِتَالَ وَ الْهَزِيمَةَ قَالَ فَسَأَلَهُمْ أَيُّهُمَا مَاتَ قَبْلَ صَاحِبِهِ فَقِيلَ إِنَّ ابْنَهَا مَاتَ قَبْلَهَا قَالَ فَدَعَا بِرُؤُوسِهَا أَبِي الْغَلَامِ الْمَيِّتِ فَوَزَّئْتُهُ ثَلَاثِي الدِّيَةِ وَ وَرَثَ أُمُّهُ ثَلَاثَ الدِّيَةِ ثُمَّ وَرَثَ الرَّوْحُ مِنَ الْمَرْأَةِ الْمَيِّتَةِ نِصْفَ ثَلَاثِ الدِّيَةِ (الَّتِي وَرَثَتْهَا) مِنْ ابْنِهَا وَ وَرَثَ قَرَابَةَ الْمَرْأَةِ الْمَيِّتَةِ الْبَاقِي ثُمَّ وَرَثَ الرَّوْحُ أَيْضاً مِنْ دِيَةِ امْرَأَتِهِ الْمَيِّتَةِ نِصْفَ الدِّيَةِ وَ هُوَ الْفَانِ وَ حَمْسِمَانَةَ دَرَاهِمٍ وَ وَرَثَ قَرَابَةَ الْمَرْأَةِ الْمَيِّتَةِ نِصْفَ الدِّيَةِ وَ هُوَ الْفَانِ وَ حَمْسِمَانَةَ دَرَاهِمٍ وَ ذَلِكَ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَ لَدَّ غَيْرِ الدِّيَةِ رَمَتْ بِهِ حِينَ فَزِعَتْ قَالَ وَ أَدَّى ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْ بَيْتِ مَالِ الْبَصْرَةِ.^۲

۱. وسائل الشیعة ۲۹: ۲۶۸.

۲. وسائل الشیعة ۲۶: ۳۶.



جلسه: ۱۹
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی در قتل‌های عمد
استاد: علی عندلیبی دام‌ظله

بر اساس این روایت، زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام لشکر جمل را شکست می‌دهند، لشکر جمل در حال فرار کردن بوده اند و لشکر امیرالمؤمنین علیه السلام نیز آنها را دنبال می‌کنند.^۱ در حالی که این تعقیب صورت می‌گرفته است، خانم بارداری در راه بوده و از این تعقیب و گریز می‌ترسد و جنین خود را به صورت زنده سقط می‌کند، اما بعد مدت کوتاهی فرزند از دنیا می‌رود و در ادامه، آن خانم نیز از فوت می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام و اصحاب او که پشت سر لشکر حرکت می‌کرده اند، با آن زن و فرزند او مواجه می‌شوند و از ماجرای او سؤال می‌کنند و بعد از اطلاع نسبت به حقیقت ماجرا، سوالاتی مطرح کرده و بر اساس آن نحوه ارتب بردن را تبیین می‌کنند. نکته مهم این است که امیرالمؤمنین علیه السلام دیه آنها را از بیت المال مسلمین پرداخت کرده‌اند.

بنابراین بر اساس این روایت، در صورتی که شخصی از ترس لشکر مسلمین از دنیا برود، دیه او بر عهده بیت المال خواهد بود. سند این روایت به جهت «سوار» با مشکل مواجه است؛ چون ایشان در کتب رجالی ترجمه نشده و مهمل است. البته در مورد سوار، وجوهی همچون نقل کردن حماد بن عیسی و حسن بن محبوب از او و همچنین واقع شدن در کتاب کافی و فقیه وجود دارد. در صورتی که این وجوه پذیرفته شود، اشکال سندی روایت حل خواهد شد و الا با توجه به مهمل بودن او، سند روایت مبتلا به مشکل است. اشکال دیگر در سند روایت این است که سوار مستقیماً از امام حسن علیه السلام روایت نقل کرده است، در حالی که نقل کردن مستقیم او از امام حسن علیه السلام محل بحث است؛ چون حماد بن عیسی که در این روایت از سوار نقل کرده است، از اصحاب امام صادق، امام کاظم، امام رضا و امام جواد علیهم السلام است و با این شرائط، سوار نیز مربوط به همان عصر خواهد بود و لذا نقل کردن او امام حسن علیه السلام که در سال ۵۰ هجری به شهادت رسیده اند، محل تردید است و در صورتی که امکان نقل کردن مستقیم او وجود نداشته باشد، سند روایت مرسل خواهد شد.

نتیجه این است که سند روایت با مشکل روبرو است. البته سند این روایت هم معتبر نباشد، مفاد آن مطابق قاعده است؛ چون خون مسلمان نباید باطل شود و لذا باید دیه فرزند و مادر از بیت المال پرداخت شود.

و: تحقق قتل در مأموریت خطرناک

مورد دیگر از مواردی که پرداخت دیه بر عهده حکومت اسلامی است، مأمور شدن اشخاص به کارهای خطرناک از طرف حکومت اسلامی است. به عنوان مثال حکومت اسلامی شخصی را مأمور کند که بالای دکل های برق برود و بالارفتن او موجب برق‌گرفتگی یا سقوط او از دکل شده و از دنیا برود. مثال دیگر ارسال مأمور به درون چاه های عمیق است که موجب از دنیا رفتن او گردد. موارد دیگر مانند مأموران آتش نشانی و ... نیز همین حکم را خواهند داشت.^۲

در این زمینه در کلمات فقها بین مأموران امام معصوم علیه السلام و غیر ایشان تفصیل داده شده است. اما در حال حاضر این تفصیل مورد بررسی قرار نمی‌گیرد و اصل مطلب این است که اگر حکومت اسلامی مصلحت در انجام آن کار ببیند، مثلاً لازم باشد که تعدادی از مأموران

۱. لشکر امیرالمؤمنین به فرماندهی مالک اشتر به دنبال لشکر جمل بوده اند. این مطلب در این روایت ذکر نشده است، اما در روایت دیگری به این مطلب اشاره شده است که امیرالمؤمنین علیه السلام به مأمور خود نامه ای می‌دهند که به مالک اشتر بدهد. مالک اشتر نامه را گرفته و زیر زین اسب خود قرار داده و مشغول شمشیر زدن می‌شوند. بعد از اینکه نزدیک دروازه بصره می‌رسند، همه لشکر جمل به داخل فرار می‌کنند. مالک اشتر در آن زمان نامه امیرالمؤمنین علیه السلام را باز کرده و مشاهده می‌کند که امیرالمؤمنین به ایشان فرموده است که لشکر جمل را تعقیب نکند. از آنجا به بعد دیگر مالک اشتر آنها را دنبال نمی‌کند.

ممکن است نکته امر کردن امیرالمؤمنین علیه السلام به تعقیب نکردن لشکر جمل این بوده باشد که فرمانده آنها کشته شده و پشتوانه آنها از بین رفته بود، در حالی که جنگ صفین معاویه که فرمانده بود، زنده بوده است.

۲. پرداخت دیه توسط بیمه مسأله متفاوتی است؛ چون بیمه قرارداد جداگانه ای است. بر اساس این وظیفه، حتی اگر بیمه هم نباشد، بر حکومت اسلامی لازم است که دیه مأموران حکومتی را پرداخت کند.



جلسه: ۱۹
تاریخ: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

درس: نظام اقتصادی اسلام
موضوع: لزوم پرداخت دیه توسط حکومت اسلامی در قتل‌های عمد
استاد: علی عندلیبی دام‌ظله

حکومتی به بالای دکل‌های برق رفته و آنها را اصلاح کنند، تعداد بسیاری از فقها بیان کرده‌اند که دیه آن اشخاص بر عهده بیت‌المال خواهد بود. دلیل این دسته از فقها قاعده عدم بطلان خون مسلمان است. اما شهید ثانی قائل شده‌اند که حکومت اسلامی ضامن دیه‌ی این دسته از مأموران خود نخواهد بود.

به نظر ما حق با فقهائی است که قائل به لزوم پرداخت دیه توسط حکومت شده‌اند؛ چون مأموریتی که حکومت اسلامی برای آنها قرار داده است، موجب فوت کردن آنها شده است و برای جلوگیری از بطلان خون آنها که مسلمان هستند، باید حکومت اسلامی دیه آنها را پرداخت کند. تاکنون مواردی که پرداخت دیه آنها بر حکومت اسلامی لازم است، اشاره گردید و ممکن است با تتبع بیشتر، موارد دیگری هم پیدا شود. اما قاعده کلی و عمده موارد آن مطرح شده و مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه این است که موارد متعددی وجود دارد که پرداخت آن بر حکومت اسلامی لازم است. در مورد این مطلب، علاوه بر أدله‌ای که بالخصوص در هر مورد مطرح گردید، روایات دیگری هم وجود دارد که در آنها اشاره شده است که اگر کسی وارث نداشته باشد، ارث او به امام علیه السلام خواهد رسید؛ چون جنایات او بر عهده امام علیه السلام است. بنابراین در این روایات نیز به صورت اجمالی بیان شده است که در برخی موارد، جنایاتی که صورت می‌گیرد، پرداخت دیه آن بر عهده حکومت اسلامی است. اما با توجه به اینکه بیان این روایات کاملاً اجمالی است، مورد اشاره واقع نشدند.

بنابراین بلاشک و اشکال از وظائف حکومت اسلامی است که برای جلوگیری از برخی ناهنجاری‌هایی که صورت می‌گیرد، دیه برخی از مقتولین را پرداخت کند.